

تاریخ دریافت: ۹۱/۰۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۹۱/۰۳/۲۱

## حجاب در کشاکش حریم خصوصی و حقوق عمومی

۱۱۱

فصلنامه مطالعات حقوقی

دوره نهم آبان ماه ۱۳۹۰

حجاب در کشاکش حریم خصوصی و حقوق عمومی

علی غلامی

### علی غلامی \*

۱. استادیار دانشکده معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق ع، تهران، تهران، ایران.

#### چکیده

اگرچه برخی با تأکید بر فردی بودن پوشش، آن را موضوعی متعلق به حریم خصوصی می‌شمارند که اصولاً در دایره دخالت حکومت و حتی سایر مردم نیز قرار نمی‌گیرد ولی به نظر می‌رسد این ادعا به جهات متعددی مخدوش باشد.

اولاً: آنکه معنا و اثر تفکیک حوزه خصوصی و عمومی به نحوی که مستشکلین ادعا می‌نمایند، در فقه وجود ندارد؛ ثانیاً: با توجه به عواملی چون حوزه تأثیرگذاری حجاب، واقعی بودن موضوع حجاب، مصلحت جمعی حجاب، عدم ارتباط حجاب در نماز با فردی بودن آن، عدم انحصار عفاف در حجاب، فقدان انحصار در رابطه حجاب و احترام و برخورد باحجاب در قوانین کشورهای متعدد غربی، این مسأله امری اجتماعی و عمومی است؛ ثالثاً: به فرض صرفاً خصوصی بودن امر حجاب و پوشش و علی‌رغم جایگاه و اهمیت حریم خصوصی و تأکید عقل و فطرت، منابع نقلی، منابع قانونی داخلی و اسناد بین‌المللی بر آن، این حق به استناد حکم عقل، قرآن کریم، سنت معصومین (علیهم‌السلام)، نظریات فقها و قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی یک حق قابل نقض یا تحدید می‌باشد و مطلق نیست و رابعاً: حتی اعتقاد به حیثیت دوگانه حجاب نیز اگرچه ادعایی قابل تردید است، ولی منافاتی با تقييد حجاب و پوشش در حوزه عمومی جامعه ندارد.

**واژگان کلیدی:** حجاب، حریم خصوصی، حقوق عمومی، عفاف، سلیقه شخصی.

یکی از شبهات مطرح در مورد حجاب و پوشش، بحث تعلق آن به حریم خصوصی یا حوزه حقوق عمومی است. برخی مستشکلین به ورود حکومت و حتی مردم عادی به حوزه حجاب افرادی که حد شرعی این مساله یا اصل آن را رعایت نمی‌کنند، با تأکید بر فردی بودن پوشش، آن را موضوعی متعلق به حریم خصوصی می‌شمارند که اصولاً در دایره دخالت حکومت و حتی سایر مردم نیز قرار نمی‌گیرد و صرفاً تابع اراده و انتخاب هر فرد است. این ادعا مبتنی بر دلایلی است که می‌توان آن‌ها را در چند محور مورد اشاره قرار داد.

اول: حکم حجاب برای تأمین مصلحت فرد دارنده آن تشریح شده تا او را در برابر مفاسد مختلف، از نگاه آلوده دیگران گرفته تا هتک حرمت، حفظ نماید؛ پس حال که مصلحت حکم به فرد برمی‌گردد، حکم آن نیز فردی خواهد بود.

دوم: حکم حجاب برای رعایت احترام فرد دارنده آن وضع شده است که از روایات نیز قابل استنباط است. مسلم است که احترام شخص از امور مرتبط با خود اوست و انتخاب اصل و چگونگی احترام در اختیار صاحب آن است و اولی از سایرین است. حال که احترام امر شخصی است، حکم ناظر به آن نیز شخصی خواهد بود.

سوم: زن در حال نماز موظف به رعایت حجاب است ولو اینکه هیچ نامحرمی او را نبیند. این مساله نشان‌دهنده آن است که حجاب نیز مانند نماز است و جزء احکام فردی می‌باشد.

چهارم: حجاب در واقع نمود و نماد خارجی صفتی به نام عفاف است که امری درونی است و شکی نیست که عفاف به عنوان یک صفت درونی در حوزه شخصی هر فرد تعریف می‌شود؛ بنابراین حجاب هم که نمایش خارجی آن است، شخصی به شمار خواهد آمد. (علی‌اکبریان، ۱۳۸۷، ج ۱: ۴۴)

در پاسخ به این شبهه، علاوه بر ضرورت بررسی آثار تقسیم موضوعات به

خصوصی و عمومی و ... می‌توان موضوع را در فرض عمومی یا خصوصی بودن حجاب مورد بررسی قرارداد که این مقاله در چهار قسمت به آن می‌پردازد.

## ۱- معنا و اثر تفکیک

اولین نکته‌ای که در پاسخ‌دهی باید مد نظر قرار گیرد، تعیین ملاک فردی و شخصی یا عمومی و اجتماعی بودن یک حکم است. اگر منظور از امر فردی یا شخصی امری باشد که هیچ پیامد اجتماعی ندارد و در حوزه روابط اجتماعی تعریف نمی‌شود، این تعریف شامل حجاب نمی‌شود که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد. اگر گفته شود که خصوصی بودن حجاب به معنای عدم حق دخالت دولت در محیط‌هایی چون خانه و میهمانی است، باید گفت که کسی قائل به جواز مطلق ورود حکومت به این حوزه‌ها نیست و در اینجا موضوع بحث، وضعیت حجاب در محافل عمومی است.

نکته دومی که باید به آن اشاره شود، اثر تفکیک و تقسیم‌بندی‌هایی از این سنخ در احکام اسلامی است. به عبارت دیگر، اولاً: باید دید آیا اصلاً تقسیم‌بندی احکام اسلامی به فردی و اجتماعی یا خصوصی و عمومی در فقه وجود دارد؟ و ثانیاً: به فرض وجود چنین تقسیم‌بندی‌هایی، آیا اثر خاص فقهی بر آن‌ها مترتب است؟

به نظر می‌رسد که اولاً: چنین تفکیکی در منابع و متون فقهی قابل‌رؤیت نیست و ثانیاً: اگر هم چنین تفکیکی قابل ارائه باشد، حائز اثر خاصی نیست. مثلاً در موضوع حجاب، با توجه به عدم تجسس حاکمیت در امور غیرعلنی، بدحجابی غیرعلنی در حوزه ورود حکومت نیست، ولی اگر همین پدیده به صورت علنی باشد، مشمول برخورد است زیرا ارتکاب گناه به صورت آشکار مشمول برخورد است خواه در حوزه امور عبادی باشد یا غیرعبادی، فردی باشد یا اجتماعی و ...

## ۲- اجتماعی و عمومی بودن حجاب

علی‌رغم آنچه در تبیین این شبهه در مقدمه به آن اشاره شد، حجاب امری اجتماعی و عمومی است. برخی دلایل مبتنی بر فردی و شخصی نبودن حجاب و عدم اختصاص آن به حریم خصوصی فرد، ناظر به دلایل مدعیان فردی بودن حجاب و برخی مستقل و عام هستند که به این شرح قابل تشریح می‌باشد.

### ۲-۱- مصلحت جمعی حجاب

نکته اول آنکه شکی نیست که حجاب تأمین‌کننده مصلحت فرد است، اما این به معنای خالی بودن آن از مصلحت دیگران نیست. رعایت حجاب شرعی در جامعه باعث تحقق آثاری چون آرامش روانی شهروندان جامعه اعم از مرد و زن، استحکام پیوند خانواده‌ها، استواری اجتماع و مصونیت آن از حاکمیت فضای جنسی و ... می‌شود و فقدان حجاب شرعی مساوی است با تحقق نقطه مقابل آثار فوق.

مصلح پیش‌گفته مصالحی اجتماعی هستند که حکم حجاب را نیز اجتماعی می‌سازند و این امر منافاتی با مصالح فردی حجاب ندارد، زیرا یک امر ممکن است هم دارای مصالح فردی باشد، هم اجتماعی که همین موضوع باعث اجتماعی شدن آن خواهد شد.

### ۲-۲- رابطه حجاب و احترام

وجود تفاوت میان زنان مسلمان آزاد با زنان اهل کتاب و کنیزان در وجوب یا عدم وجوب حجاب و همچنین اختصاص حرمت نگاه به زن مسلمان و برداشتن آن از نگاه به زنان کافر علامت احترام خاص زنان مسلمان است؛ درعین حال باید به نکات دیگری نیز توجه نمود.

نکته اول آنکه اگرچه احترام زن مسلمان از آثار و مبانی حجاب است، اما تنها

مبنا و علت تامه حجاب نیست که گفته شود حجاب فقط برای حفظ احترام زن مسلمان است و احترام امری شخصی است، پس حجاب موضوعی شخصی می‌شود؛ بلکه یکی از آثار حجاب احترام است.

نکته دوم اینکه بحث احترام و لوازم آن نیز منحصر در حوزه شخصی نیست، زیرا اولاً: احترام در تعامل با سایرین شکل می‌گیرد و نوع رفتار و گفتار هر فرد است که می‌تواند احترام دیگران را نسبت به او برانگیزاند و حجاب یکی از این رفتارهاست؛ ثانیاً: نوع حجاب فرد در جامعه در احترام یا عدم احترام سایرین به او خلاصه نمی‌شود و بر وضعیت سایر هم‌جنسان وی نیز مؤثر است. به عبارتی زمانی که مثلاً یک زن باحجاب نامناسب در جامعه ظاهر می‌شود، زمینه را برای بی‌احترامی و بی‌حرمتی به همه زنان از سوی مردان لائابالی فراهم می‌کند نه اینکه فقط حریم خودش را در معرض تعدی دیگران قرار دهد.

نکته سوم این است که آزادی شخصی در حیطه احترام خود در جایی است که شرع محدودیتی برای احترام تعیین نکرده باشد و مطلق و بدون قید باشد. اما اگر دلیلی بر محدودیت در این حوزه اقامه شد، آزادی شخصی در این حیطه نمی‌تواند محدودیت شرع را باطل نماید.

## ۲-۳- عدم ارتباط حجاب در نماز با فردی بودن حجاب

وجوب حجاب در نماز برای زن مسلمان دلالتی بر فردی بودن حجاب ندارد؛ زیرا اولاً: آنچه مربوط به نماز یا شرط صحت آن است، به تبع نماز امری فردی محسوب نمی‌شود؛ مثل ضرورت غصبی نبودن لباس نمازگزار یا مکان نماز؛ ثانیاً: موضوع بحث، حجاب در مقابل نامحرم است نه حجاب در حال عبودیت در پیشگاه باری تعالی؛ ثالثاً: وجوب امری چون حجاب در نماز منافاتی با وجوب آن در حالات دیگر ندارد که البته برخی از آن حالات، اجتماعی هستند.

## ۲-۴- عدم انحصار عفاف در حجاب

اینکه گفته شود حجاب نمود عفاف است، نکته صحیحی است اما این به

معنای انحصار نمود عفاف در حجاب نیست. عفاف شامل حجاب (پوشش)، راه رفتن، حرف زدن، نگاه کردن و آرایش نمودن است که با تحقق همه این مصادیق می‌توان عفاف را محقق دانست و بنابراین صرف رعایت حجاب علامت عفاف کامل نیست تا در نتیجه آن گفته شود حال که حجاب نمود عفاف و عفاف امری شخصی است پس حجاب امری شخصی می‌شود.

از سوی دیگر ممکن است کسی قائل به عفاف نباشد ولی حجاب و پوشش را به هر دلیلی از جمله ریاکاری و نفاق رعایت نماید. در چنین فرضی نیز اصولاً بحثی از عفاف در میان نیست که فردی یا اجتماعی بودن آن در ماهیت حجاب مؤثر باشد. (علی‌اکبریان، ۱۳۸۷، ج ۱: ۶-۴۵)

## ۲-۵- حوزه تأثیرگذاری

امور شخصی و فردی اموری هستند که تأثیرات مثبت یا منفی آن در حوزه فرد باقی مانده و تأثیری بر سایرین ندارد. هنگامی که به حجاب به عنوان یک موضوع دارای تأثیر توجه می‌شود، هیچ‌کس نمی‌تواند آن را با خوردن، آشامیدن و خوابیدن که تنها در رابطه شخص با خودش معنی پیدا می‌کند و اثری بر غیر ندارد، مقایسه کند و حکم به فردی و شخصی بودن آن صادر نماید، زیرا حجاب باملاحظه تعامل فرد با خودش تشریح نشده است.

حجاب موضوعی است که علاوه بر تأثیرات شخصی، هم در حوزه خانوادگی و هم در حوزه اجتماعی دارای تأثیرات متعدد مثبت یا منفی است که رعایت آن سبب تحقق آثار مثبت و عدم رعایت آن باعث به وجود آمدن آثار منفی می‌گردد. از سوی دیگر گاهی احکام فردی به صورت مستقیم بر احکام اجتماعی تأثیر می‌گذارد که در چنین حالتی، به فرض فردی دانستن موضوع، نمی‌توان از بُعد اجتماعی آن غافل گردید؛ مثلاً اگر یکی از زوجین با انکار مستقیم یا غیرمستقیم توحید یا نبوت مرتد گردد، عقد نکاح آنان باطل می‌شود؛ این در حالی است که

ارتداد یک فرد به عنوان موضوعی اعتقادی ممکن است یک امر فردی و شخصی دانسته شود، اما به هر حال تأثیر اجتماعی آن عبارت خواهد بود از بطلان نکاح به عنوان یک امر اجتماعی. (مهدی‌زادگان، ۱۳۸۶، شماره ۳۶: ۱۶۷)

## ۲-۶- واقعی یا سلیقه‌ای بودن موضوع حجاب

مسایل انسانی را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود؛ مسایل سلیقه‌ای و مسایل واقعی. مسایل سلیقه‌ای مسایلی است که به ساختمان وجود هر کس مربوط است و فرد باید در این نوع مسایل آزاد باشد و خوب برای هر فرد عبارت خواهد بود از آنچه که انتخاب کرده است؛ مثلاً محل زندگی، نوع غذا، شاعر مورد علاقه و ... در این دسته مسایل، خوب و بد مطلق وجود ندارد و کاملاً تابع انتخاب هر فرد است.

دسته دوم مسایل واقعی است که به ذوق و سلیقه افراد ربطی ندارد و پسند افراد در رد و قبول آن مؤثر واقع نمی‌شود و حساب خاص خودش را دارد، فارغ از خواست یا عدم خواست اعضای جامعه انسانی؛ مثلاً در امور پزشکی، پزشکی یا کادر درمانی هیچ‌گاه به ذوق و سلیقه فرد و خواست او توجه نمی‌کنند و آنچه را که به مصلحت اوست، برایش تجویز و الزام می‌نمایند.

اگر دین و احکام و دستورات مندرج در آن جزء مسایل سلیقه‌ای در نظر گرفته شود، طبیعتاً موضوعی چون حجاب نیز یک امر سلیقه‌ای و تابع میل و اراده هر فرد می‌شود که دولت و سایر افراد حق دخالت و ورود در آن را ندارند، اما اگر دین امری واقعی دانسته شد، احکام آن نیز واقعی و فارغ از خواست و میل افراد خواهد بود و مهم مصلحت افراد است نه منفعت آنان.

حال باید دید دین و محتوای آن منحصر در تأثیر و تأثر فرد با خویش و در حیطه فردی است، مثل نوع غذای انتخابی هر فرد، یا دین و دستورات آن در تعاملات فرد با غیر خود نیز دارای تأثیر و تأثر است، مثل ضرورت رعایت

بهداشت یا سوادآموزی. با توجه به مبنا و فلسفه دین که طرح و ایدئولوژی ناظر به سعادت فرد و جامعه است و بر همه تعاملات انسان حاکم است، انحصار آن به حوزه فردی نه مقدور است نه ممدوح؛ زیرا در این صورت تنها کارکرد دین تنظیم برخی رفتارهای فرد در مقابل خداوند خواهد شد که با آنچه از تعلیمات فراوان اجتماعی دین وجود دارد، در تعارض مستقیم قرار خواهد گرفت.

## ۲-۷- برخورد باحجاب در غرب

سؤالی که در اینجا قابل طرح است، توجیه برخورد با نوع پوشش خصوصاً در مورد زنان است که در برخی مناطق دنیا همچون کشور فرانسه به قوانینی جدی و پرحاشیه منجر شده است. اگر حجاب صرفاً یک امر شخصی و فردی است که ناظر به حریم خصوصی تعریف می‌شود، چه توجیهی برای ورود حکومت به آن وجود دارد؟

بارزترین مصداق این امر، تصویب قانون شماره ۲۲-۲۰۰۴، ۱۵ مارس ۲۰۰۴ م. در فرانسه است که در آن مقرر شده:

«با توجه به اصل لایبسیته، داشتن نشانه‌ها یا پوششی که نمایانگر وابستگی مذهبی باشد، در مدارس، کالج‌ها و دبیرستان‌های دولتی ممنوع است.»

این قانون که پس از فراز و نشیب‌های فراوان و مبتنی بر پیشنهادات کمیسیون تحقیق لایبسیته به ریاست «برنارد استاسی»<sup>۱</sup> تصویب و ابلاغ شد، پیشینه و مقدمه‌ای ۱۵ ساله دارد.

شروع این ماجرا به ۱۵ اکتبر ۱۹۸۹ م. و مدرسه راهنمایی «گابریل هاوز»<sup>۲</sup> برمی‌گردد که سه دانش‌آموز محجبه از ورود به کلاس درس منع شدند و این موضوع تا سال ۲۰۰۳ م. به مناسبت‌ها و صورت‌های مختلف مورد توجه قرار



گرفت تا اینکه در ۳ ژوئیه ۲۰۰۳ م. اساسی به ریاست کمیته تحقیق لایسیتیه منصوب شد و در ۱۱ دسامبر همین سال گزارش خویش را در مورد لایسیتیه و ربط و نسبت آن با نمادهای مذهبی تقدیم شیراک، رئیس‌جمهور وقت فرانسه نمود. پس از سخنرانی ۱۷ دسامبر ۲۰۰۳ م. شیراک در مورد احترام و اجرای اصول لایسیتیه، مجلس ملی فرانسه در ۱۵ مارس ۲۰۰۴ م. این قانون را تصویب و از سپتامبر همان سال، یعنی زمان شروع سال تحصیلی لازم‌الاجرا نمود.

البته برخورد دولت فرانسه با حجاب در ۷ اکتبر ۲۰۱۰ م. نیز تکرار شد و استفاده از روبند (برقع) ممنوع و برای استفاده‌کنندگان از آن ۱۵۰ یورو جریمه در نظر گرفته شد. در عین حال فرانسویان در مورد نحوه پوشش آقایان نیز محدودیت‌هایی را در نظر می‌گیرند؛ مثلاً طرفداران مکاتب فرهنگی نیز مجاز نیستند در ملاء عام و یا حتی در منزل شخصی خویش در صورت قابل‌رؤیت بودن از بیرون، پوشش یا رفتارهای خلاف عرف عمومی جامعه داشته باشند، هر چند این مساله در سواحل دریا یا پلاژ می‌تواند تا حدودی تحمل شود. (Lagadec, 2003: 23)

این محدودیت‌ها منحصر به فرانسه نیست و در سایر کشورهای غربی نیز نمونه‌های آن قابل مشاهده است. مثلاً در آلمان اگرچه دولت مرکزی فدرال آلمان قانون مشخص و فراگیری علیه حجاب اسلامی تصویب نکرده، ولی با توجه به مجوز دادگاه فدرال، ایالت‌ها رأساً نسبت به تصویب و اعمال محدودیت علیه حجاب اقدام می‌نمایند و با اعتقاد به قرار داشتن حجاب در حوزه عمومی، دولت خود را محق می‌داند که در آن وارد شده و همچون سایر حوزه‌های عمومی خطوط قرمز را مشخص کند. این حق مبتنی بر دو مقدمه است؛ مقدمه اول آنکه اقتضای حکومت بر الزام اتباع خود، امری بدیهی است که بی‌نیاز از استدلال است و تصور حاکمیت برای تصدیق مفهوم الزام کافی است و نمی‌توان حاکمیتی را تصور کرد که اتباعش الزامی نسبت به فرامین و خواسته‌های آن احساس نکنند. (مهدی‌زادگان، ۱۳۸۶، شماره ۳۷: ۱۳)

علمای علم اصول معتقدند که سلطه و اقتدار با مفهوم امر و فرمان رابطه وثیقی دارد و امر و فرمان در جایی متصور است که تکیه بر حکومت و اقتدار داشته باشد. اگر شخص فرمان دهنده بر دیگران علو و منزلت حکومتی نداشته باشد، از او امر او برداشت الزام‌آوری نمی‌شود و امر و نهی وی تقاضا تلقی می‌شود نه فرمان. لذا حکومت باید مقتضی الزام باشد که شرایط فقدان آن برداشت الزام نمی‌شود. (خراسانی، ۱۴۰۹.ق: ۶۳ و امام خمینی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۲۳۹)

مقدمه دوم اینکه حجاب نیز در حوزه‌ای که دولت حق الزام در آن را دارد، یعنی حوزه عمومی وارد می‌شود که این مقدمه نیز در صفحات قبل تبیین و اثبات گردید.

### ۳- اطلاق یا تقیید حریم خصوصی

حال اگر فرض شود که حجاب یک امر صرفاً خصوصی است، این سؤال قابل طرح است که حق حریم خصوصی یک حق مطلق و غیرقابل تقیید است که تحت هیچ شرایطی دولت و حقوق عمومی حق ورود به آن را ندارد، یا اینکه حق حریم خصوصی نیز یک حق قابل نقض و تحدید می‌باشد که گاهی می‌توان مجوز ورود دولت به حریم آن را صادر نمود؟

در پاسخ به این سؤال ابتدا باید اشاره‌ای به جایگاه و اهمیت حفظ حریم خصوصی نمود و سپس به مستندات امکان نقض و تحدید آن پرداخت.

### ۳-۱- جایگاه و اهمیت حریم خصوصی

جایگاه و اهمیت حریم خصوصی را در چهار محور می‌توان مورد بحث و بررسی قرارداد.

#### ۳-۱-۱- عقل و فطرت

برای اثبات ضرورت وجود حریم خصوصی برای انسان کافی است هدف

بشر در حیاتش کمال دانسته شود و لازمه نیل به این کمال، رشد و نمو جسمی و روحی باشد و از مقدمات ضروری رشد روحی، آرامش مدنظر قرار گیرد، که لازمه این آرامش داشتن فضایی مصون از تعرض دیگران و مختص انسان است که وی در آن مورد تعرض و تهدید کسی یا چیزی قرار نمی‌گیرد. درعین حال شاید برای اثبات ضرورت این حق نیازی به استدلال عقلی نباشد و برخورداری از حریم خصوصی را بتوان نیازی فطری دانست که بشر به خودی خود به سمت آن کشش و تمایل دارد.

۱۲۱

فصلنامه مطالعات حقوقی  
دوئالت اسلامی

مجله علمی  
در کساکش حریم خصوصی و حقوق عمومی

علی غلامی

### ۳-۱-۲- منابع نقلی

در آیات شریفه قرآن بیان مصادیق مشخصی از حریم خصوصی عنایت آن کتاب شریف به این مقوله را به وضوح نشان می‌دهد.

سوره مبارکه حجرات آیه شریفه ۱۲،<sup>۳</sup> سوره مبارکه نور، آیات شریفه ۲۷ و ۲۸،<sup>۴</sup> سوره مبارکه بقره، آیه شریفه ۱۸۹،<sup>۵</sup> سوره مبارکه نور، آیه شریفه ۱۲.<sup>۶</sup>

در ارتباط با حریم خصوصی و حرمت و ضرورت رعایت آن در مورد افراد از سوی سایرین روایات فراوانی از حضرات معصومین (علیهم‌السلام) رسیده که در چند قالب ناظر به بحث حریم خصوصی ذکر می‌گردد.

حرمت تجسس (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)، حرمت ورود بدون اذن به منازل مردم (بجنوردی، ۱۹۴۱۹ه.ق: ۲۱۱)، حرمت استراق بصر (محقق حلی، ۱۴۱۰ه.ق: ۲۹۸ و بجستانی، ۱۴۱۰ه.ق: ۴۵۴)، حرمت سوء ظن (بجستانی، ۱۴۱۰ه.ق: ۵۸۲)، حرمت غیبت و نیمه (شهید ثانی، بی تا، ج ۱۲: ۳۰۶)، حرمت اشاعه فحشاء و هتک ستر (امام خمینی، بی تا: ۲۹۴) و حرمت رازشکنی و افشای اسرار. (قرآن کریم، مومنون: ۸)

## ۳-۱-۳- منابع قانونی داخلی در حوزه حریم خصوصی

در قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران اصول و مواد متعددی از قانون اساسی و قوانین عادی کشور بر ضرورت حفظ و حرمت حریم خصوصی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم و کلی تاکید دارد.

حمایت کلی و غیرمستقیم در اصول ۱۴، ۲۰ و ۲۳ ق.ا، ماده ۵۷۰ ق.م.ا و ... . حمایت از حریم خصوصی فیزیکی در مواد ۵۸۰، ۶۴۱، ۶۹۱ و ۶۹۴ ق.م.ا، و مواد ۲۴، ۳۸، ۹۶، ۹۷، ۹۸ و تبصره ماده ۴۳ ق.آ.د.ک.

حمایت از حریم خصوصی بدنی در مواد ۵۷۲ تا ۵۷۵ ق.م.ا.

حمایت از حریم خصوصی روانی در اصل ۲۳ ق.ا.<sup>۷</sup>

حمایت از حریم خصوصی ارتباطی در اصل ۲۵ ق.ا و ماده ۵۸۲ ق.م.ا.

حمایت از حریم خصوصی در فعالیت‌های رسانه‌ای در اصل ۲۴ ق.ا.

حمایت از حریم خصوصی اطلاعاتی در ماده ۶۴۸ ق.م.ا و مواد ۱۰۳، ۱۰۴، ۲۲۵ و تبصره ماده ۱۸۸ ق.آ.د.ک.

## ۳-۱-۴- اسناد بین‌المللی ناظر به حق حریم خصوصی

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی<sup>۸</sup> در ماده ۱۷.

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در ماده ۸.

## ۳-۲- مستندات نقض یا تحدید حریم خصوصی

علی‌رغم اهمیت حریم خصوصی و مستندات محکم آن، به نظر می‌رسد که حق افراد بر حریم خصوصی خویش مطلق نیست و بنابر مستندات ذیل می‌توان در



شهری، ۱۴۲۲.ه.ق، ج ۷: ۳۰۹۴)

### ۳-۲-۴- نظریات فقها

در تجسس جایز (انصاری، بی تا: ۴۴ و منتظری، ۱۴۰۹.ه.ق، ج ۲: ۵۳۹)، سوء ظن جائز (مجلسی، ۱۳۶۸.ه.ق، ج ۱: ۹۱ و ۸۷)، جعل عریف (علامه حلی، بی تا، ج ۱: ۴۳۷)، جواز غیبت. (احمدی میانجی، ۱۳۸۱: ۱۳۵)

۱۲۴

فصلنامه مطالعات حقوقی  
دولت اسلامی

### ۳-۲-۵- تقیید حریم خصوصی در قوانین

۳-۲-۵-۱- حقوق ایران

قانون اساسی:

در اصل ۱۴: ".... این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند."

اصل ۲۲: ".... مگر در مواردی که قانون تجویز کند."

اصل ۲۴: ".... مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند ..."

اصل ۲۵: ".... مگر به حکم قانون."

در اصل ۱۴۲ در ارتباط با بررسی دارایی برخی مسؤولین نظام.

قانون مجازات اسلامی با تقیید مواد ۵۸۲، ۶۴۸ و ۶۰۶.

قانون آیین دادرسی کیفری با تقیید مواد ۹۶، ۹۷ و ۱۰۶.

قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور در تبصره ۲ ماده ۲.

قانون مطبوعات.<sup>۱۳</sup>

در فصل چهارم این قانون، نشریات جز در موارد اخلاص به مبانی و احکام اسلامی و حقوق عمومی آزاد دانسته شده اند که در ذیل آن ۹ عنوان نشر مطالب الحادی و مخالف موازین جمهوری اسلامی، اشاعه فحشاء و منکرات و انتشار

سال دوم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۲

عکس‌ها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی، تبلیغ و ترویج اسراف و تبذیر، ایجاد اختلاف مابین اقشار جامعه و ... ممنوع شده است.

قانون ممنوعیت به‌کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره.<sup>۱۴</sup>

در ماده یک این قانون نیز آمده است که:

«ورود، توزیع و استفاده از تجهیزات دریافت از ماهواره جز در مواردی که

قانون تعیین کرده است، ممنوع است.»

البته مصادیق تحدید و نقض حریم خصوصی بنا به دستور و تشخیص قانون

محدود به موارد فوق نیست، اما این موارد به عنوان نمونه‌ای برای اثبات این

مطلب که قانون‌گذار ایرانی حق حریم خصوصی را یک حق غیرقابل خدشه

نمی‌داند، ذکر شد و البته مصادیق دیگری در این رابطه در قوانین پیش‌گفته و

سایر قوانین هست که به دلیل طولانی شدن نوشتار از بیان آن‌ها صرف‌نظر

می‌گردد.

### ۳-۲-۵-۲- حقوق فرانسه

در قوانین کشور فرانسه نیز که به عنوان مهم‌ترین کشور در نظام رومی -

ژرمنی مطرح می‌باشد، موادی ناظر به ضرورت محدودسازی حوزه حریم

خصوصی وجود دارد که جهت نمونه به تعدادی از این مواد از قانون مجازات

فرانسه از بخش جرائم علیه عدالت قضایی اشاره می‌گردد.<sup>۱۵</sup>

اول: عدم اعلام جنایت. ماده ۱ ° ۴۳۴ قانون مجازات فرانسه مقرر می‌دارد که:

«هر کسی نسبت به جنایتی که امکان پیش‌گیری یا محدود کردن

آثار آن وجود دارد یا نسبت به کسانی که از ارتکاب جنایات

جدیدی برخوردار بوده و امکان جلوگیری از ارتکاب آنها نیز

وجود دارد، آگاهی داشته و مقامات قضایی یا اداری را از این امور مطلع نسازد، به مجازات حبس تا سه سال و جریمه نقدی تا سیصد هزار فرانک محکوم خواهد شد.»

در این ماده ملاحظه می‌شود که افراد موظف شده‌اند بخشی از اطلاعات خویش را که چه بسا محرمانه هم بوده باشد و افشای آن برای برخی از دوستان آن‌ها یا وابستگان‌شان ایجاد مشکل کند، به اطلاع مقامات ذی‌صلاح برسانند وگرنه مشمول مجازات پیش‌گفته خواهند بود.

دوم: عدم اعلام وقوع جرم نسبت به بزه‌دیدگان خاص. ماده ۳ ° ۴۳۴ قانون مجازات فرانسه مقرر می‌دارد که:

«هر کس نسبت به بدرفتاری یا محرومیت‌های تحمیل شده بر طفل کمتر از ۱۵ سال یا شخصی که به لحاظ سن، بیماری، معلولیت، ناتوانی‌های جسمی یا روانی یا حالت حاملگی قادر به دفاع از خود نباشد، علم و آگاهی داشته باشد و مقامات قضایی یا اداری را مطلع نسازد، به مجازات تا سه سال حبس و تا سیصد هزار فرانک جریمه محکوم می‌گردد ...»

در این ماده نیز مشاهده می‌شود که اطلاع ندادن وقوع جرم علیه افراد دارای حالت جسمی یا روحی خاص، جرم‌انگاری شده است که این جرم‌انگاری نیز مانند مورد قبل، نقض حریم خصوصی اطلاعاتی تلقی شده و افراد مجبور به افشای برخی از اطلاعات خویش شده‌اند که در صورت عدم انجام آن مجرم شناخته شده و مستحق مجازات می‌باشند.

سوم: مخفی کردن مباشر یا معاون جرم. ماده ۶ ° ۴۳۴ قانون مجازات فرانسه مقرر می‌دارد که:

«هر کسی که برای مرتکب (مباشر) یا معاون یک جنایت عمل تروریستی که مجازات آن حداقل ده سال حبس در نظر گرفته



شده، محل سکونت، پناهگاه، کمک‌های مالی، امکانات زندگی یا هر وسیله دیگری برای رهایی از تعقیب یا دستگیری فراهم کند، به مجازات تا سه سال حبس و تا سیصد هزار فرانک جریمه محکوم خواهد شد.»

در این ماده مخفی کردن مباشر یا معاون جرم مورد جرم‌انگاری قرار گرفته است و این در حالی است که ممکن است کسی یک مباشر یا معاون جرم را در خانه خویش سکونت یا پناه بدهد، که در چنین فرضی همین نوع استفاده و تصرف وی در خانه و محل سکونت وی جرم‌انگاری شده است و نوعی از استفاده‌های فرد از خانه و کاشانه خویش ممنوع اعلام شده است که این نقض حریم خصوصی فیزیکی یا همان حریم منزل افراد است.

علاوه بر آنچه گفته شد، چند نکته دیگر نیز در خصوص حجاب به طور خاص قابل اشاره است. نکته اول، عباراتی است که دلالت بر شمول حیطة اختیارات حکومت اسلامی نسبت به حجاب دارد. حضرت علی «علیه السلام» می‌فرمایند:

«... حق شما بر من این است که شما را نصیحت کنم ...، شما را تعلیم دهم تا نادان نمانید و تربیت کنم تا بیاموزید.» (نهج البلاغه: خطبه ۳۴)

ایشان در جای دیگر فرموده‌اند:

«بارخدا یا! تو می‌دانی که آنچه ما به دنبال آن هستیم ... بلکه بدان جهت است که دین تو را به جامعه بازگردانیم و اصلاح را در شهرهای تو آشکار سازیم ...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱)

و روایات متعدد دیگری که همگی مطلق و عام بوده و قابل اختصاص صرف به امور اجتماعی نمی‌باشد.

نکته دوم، مربوط به حق حاکم در اجرای حدود الهی یا همان حق‌الله است.

اگر به فرض محال، حجاب امری صد درصد خصوصی تلقی شود، بر چه اساسی در دایره اختیارات حکومت قرار نمی‌گیرد و دولت اسلامی حق مداخله در آن را ندارد؟ با توجه به حدودی که حق الناس نیست و حق الله محسوب می‌گردد، مشخص می‌شود که در حدودی چون زنا، لواط و مساحقه که ممکن است در یک حریم و حیطة خصوصی و با رضایت طرفین انجام شود، در صورت اثبات نزد حاکم، حق مجازات مرتکب برای حاکم وجود دارد، درحالی‌که در این حالت، یک جرم خصوصی و فردی در یک محیط خصوصی واقع شده است.

این مطلب حاکی از مجوز ورود حکومت به حریم خصوصی است که جرائم حق الهی یکی از مصادیق آن است و البته این موضوع منحصر به جامعه و حاکم اسلامی نیست و در سایر جوامع نیز حکومت‌ها خود را مجاز به ورود به حوزه‌های خصوصی همچون مصرف مواد مخدر یا قرص‌های روان‌گردان در حیطة خصوصی، استفاده از تجهیزات ایمنی هنگام کار، بستن کمربند موقع رانندگی، بیمه‌های مختلف و ... می‌دانند.

نکته سوم، تدقیق در حیطة ورود و تصرفات حکومتی معصومین (علیهم السلام) است. البته این روش فقط می‌تواند حیطة ایجابی اختیارات را تعیین نماید و از تبیین حیطة سلبی آن ناتوان است؛ یعنی تنها می‌تواند بگوید حکومت در چه اموری حق دخالت دارد ولی نمی‌تواند بگوید در چه اموری نمی‌تواند دخالت کند، مگر اینکه از معصوم نقل شود که در برابر مثلاً بدحجابی عمومی سکوت کرده و این سکوت ناشی از نداشتن مسئولیت نسبت به آن بوده و اگر می‌خواست می‌توانست وارد شده و با آن برخورد نماید.

در پاسخ به شبهه قبلی و همچنین سطور قبلی، مستندات و مصادیق متعددی در مورد ورود حکومت به این حوزه بیان شد و علاوه بر آن نیز می‌توان از تعیین و اعمال مجازات توسط معصوم (علیه‌السلام) علیه یکسری جرائم به نتیجه مورد ادعا رسید. اعمال تعزیر توسط معصومین (علیهم السلام) در قبال جرائم متعددی

همچون استمناء، خوردن گوشت خوک و ...، همگی حاکی از جواز و گاهی الزام ورود حکومت به حوزه‌هایی است که جزء حیطه خصوصی افراد به شمار می‌رود و نسبت به موضوعی چون حجاب به مراتب دارای جنبه فردی و خصوصی بیشتری است.

#### ۴- حیثیت دوگانه حجاب

برخی افراد قائل به حیثیت دوگانه برای بحث حجاب و پوشش هستند؛ به این معنی که حجاب به طور مطلق جزء حوزه عمومی نیست و از جمله مقوله‌هایی است که یک بعد آن جزء حیطه خصوصی و بعد دیگر آن، جزء حیطه عمومی است. با این استدلال که حجاب پوششی است که «فرد» به تن می‌کند و این‌گونه نیست که حقی در آن نداشته باشد؛ به عبارتی اگرچه چارچوب‌های کلان آن را دین و حکومت مشخص می‌کنند، اما سلیق موجود در درون چارچوب‌های کلان، قطعاً و کاملاً به افراد ارتباط پیدا می‌کند. (مرندی، ۱۳۸۸: ۲۱۸)

به نظر می‌رسد این نظریه قابل تردید باشد زیرا ملاک مورد اشاره در تقسیم‌بندی موضوعات و قرار دادن آن‌ها در حوزه عمومی یا خصوصی قابل خدشه است. در تقسیم‌بندی موضوعات به خصوصی و عمومی، همان‌طور که قبلاً اشاره شد، ملاک تقسیم عبارت است از حیطه تأثیرات فردی و خصوصی یک پدیده یا تأثیرات جمعی و عمومی آن. هنگامی که یک موضوع دارای تأثیرات جمعی و عمومی است، از آن به موضوع عمومی تعبیر می‌شود اگرچه دارای تأثیرات فردی هم باشد و این امری طبیعی است که تقریباً موضوعی اجتماعی و عمومی را نمی‌توان نام برد که در درجه اول دارای بعد فردی و خصوصی نباشد، اما این تأثیر فردی موضوع را فردی نمی‌کند و وجود تأثیرات اجتماعی جهت عمومی شدن موضوع کافی است.

در بحث حجاب و پوشش نیز اگرچه بحث از سلیقه فرد در انتخاب رنگ و نوع پوشش، امری بدیهی و پذیرفته شده است، اما موضوع اصلی در باب پوشش همان محدوده و چارچوب اصلی است که با توجه به تأثیرات اجتماعی و عمومی حجاب در اختیار حکومت قرار دارد و باعث شده که حجاب دارای جنبه عمومی گردد.

### نتیجه گیری

۱۳۰

فصلنامه مطالعات حقوقی  
دولت اسلامی

سال دوم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۲

بحث حجاب و پوشش با توجه به اهمیت و جایگاه خاص آن، مورد اشکالات و شبهات متعددی قرار گرفته است. برخی از این شبهات ناظر به اصل موضوع هستند و آن را مورد شبهه قرار می دهند؛ برخی شبهات ناظر به آثار و تبعات حجاب است؛ بعضی دیگر از شبهه افکنی ها مربوط به بحث رابطه حکومت اسلامی با موضوع حجاب و پوشش است؛ مثل اینکه ورود حکومت اسلامی به بحث حجاب، نقض حق حریم خصوصی شهروندان است.

اگرچه در این نوشتار با استدلالاتی همچون عدم وجود معنا و اثر تفکیک حوزه خصوصی و عمومی در فقه؛ عمومی بودن حجاب با توجه به حوزه تأثیرگذاری، واقعی و نه سلیقه ای بودن موضوع، مصلحت جمعی، عدم ارتباط حجاب در نماز با فردی بودن آن، عدم انحصار عفاف در حجاب، فقدان انحصار در رابطه حجاب و احترام و برخورد با حجاب در غرب؛ قابل نقض یا تحدید بودن حریم خصوصی علی رغم جایگاه و اهمیت آن به فرض صرفاً خصوصی بودن امر حجاب؛ و عدم منافات اعتقاد به حیثیت دوگانه حجاب با تقیید حجاب و پوشش در حوزه عمومی پاسخ این شبهه داده شد اما در یک نگاه کلان تر به نظر می رسد خاستگاه این شبهه و شبهاتی همچون اینکه چطور در حالی که در صدر اسلام برای بدحجابی مجازات خاص تعیین نشده، حکومت اسلامی اقدام به تقنین علیه حجاب کرده است؛ قانونی شدن حجاب بر خلاف خاصیت و

ماهیت فرهنگی این موضوع است؛ حجاب مربوط به جامعه خاص صدر اسلام بوده و اکنون پس از حدود ۱۴ قرن، دیگر به صورت اولیه آن قابل پذیرش نیست و باید متناسب با مقتضیات زمان و مکان و شرایط جدید دچار تحول جدی و بنیادین گردد؛ یا حتی شبهاتی از این سنخ که حجاب با میل زن به تبرج در تعارض است، حجاب مانع فعالیت زن است، حجاب باعث از بین رفتن آزادی زن می‌گردد، حجاب عامل افزایش التهاب و حساسیت در جامعه اسلامی است که چشم‌چرانی مردان یکی از نتایج آن است و ... پیش و بیش از هر چیز از یک سو ناشی از عدم وجود تصور صحیح از مبنای حجاب و دلایل الزام آن در اسلام و از سوی دیگر ناشی از عدم درک جایگاه، فلسفه، حقوق، اختیارات و وظایف حکومت دینی و چگونگی تنظیم ارتباط آن با احاد امت اسلامی است که نتیجه آن را می‌توان در بروز آفات نظری و عملی مختلف فردی و اجتماعی از جمله اعتقاد غلط به رها بودن از هر نوع قید و محدودیت با توجیه آزاد آفریده شدن انسان مشاهده نمود که وقوع در چنین تصور اشتباهی، طرح شبهاتی از این دست را طبیعی نموده و آثار خویش را در رفتار مستشکلین پدیدار می‌سازد.

بنابراین به نظر می‌رسد ضمن ضرورت پاسخگویی به این دست شبهات، ضروری است نقد و رد شبهات مبنایی‌تر در دستور کار محققان قرار گرفته و درعین حال، تبیین مبنای اسلام به طور عام و حجاب اسلامی به صورت خاص مد نظر قرار گیرد تا این تبیین پیشینی زمینه ایجاد و بروز شبهات پسینی را زایل سازد.

## یادداشت‌ها

- ۱- Bernard Stasi. -  
Gabriel Havez. -
- ۳- "یا ایها الذین امنوا اجتنبوا کثیرا من الظن ان بعض الظن اثم و لاتجسسوا و لایغتب بعضکم بعضا..."
- ۴- "یا ایها الذین امنوا لاتدخلوا بیوتا غیر بیوتکم حتی تستأنسوا و تسلموا علی اهلها ذلکم خیر لکم لعلکم تذكرون فان لم تجدوا فیها احدا فلاتدخلوها حتی یؤذن لکم و ان قیل لکم ارجعوا فارجعوا هو اذکی لکم و الله بما تعملون علیم"
- ۵- "و لیس البر بأن تأتوا البیوت من ظهورها و لکن البر من اتقی و أتوا البیوت من ابوابها و اتقوا الله لعلکم تفلحون"
- ۶- "و لولا اذ سمعتموه ظن المؤمنون و المؤمنات بانفسهم خیرا و قالوا هذا افک مبین"
- ۷- "تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد"
- ۸- The International covenant on civil and political Rights (1966).
- ۹- "ان بعض الظن اثم"
- ۱۰- "ان جاءکم فاسق نبأ فتبینوا"
- ۱۱- "لایحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم و کان الله سمیعاً بصیراً"
- ۱۲- "ولاتطع کل هلاف مهین"
- ۱۳- قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۲ مجلس شورای اسلامی است که تا سال ۱۳۷۹ چند بار مورد اصلاح قرار گرفته است.
- ۱۴- این قانون مصوب ۱۳۷۳/۱۱/۲۳ مجلس شورای اسلامی می‌باشد.
- ۱۵- برای مطالعه بیشتر در این مورد ر.ک: جعفر کوشا، جرایم علیه عدالت قضایی، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۱۹ به بعد.

## منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

### ۱- فارسی

۱. احمدی میانجی، علی (۱۳۸۱). اطلاعات و تحقیقات در اسلام. تهران: نشر دادگستر.
۲. علی اکبریان، حسن علی (۱۳۸۷). مبانی مسئولیت حکومت اسلامی در ترویج حجاب. مجموعه مقالات حجاب، مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی. به کوشش ابراهیم شفیعی سروستانی. تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳. مرنندی، محمدرضا (۱۳۸۸). ضرورت حجاب و عدم منافات آن با اصول دموکراتیک. مجموعه مقالات گفتارهایی در باب حجاب. به اهتمام محمدجواد جاوید. تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۴. مهدوی زادگان، داود (۱۳۸۶). پژوهشی در الزام حکومتی حکم حجاب. کتاب زنان. شماره ۳۶. تابستان.
۵. مهدوی زادگان، داود (۱۳۸۶). تأملی در چگونگی الزام پوشش. کتاب زنان. شماره ۳۷. پاییز.
۶. کوشا، جعفر (۱۳۸۱). جرائم علیه عدالت قضایی. تهران: میزان.

### ۲- عربی

۷. انصاری، مرتضی (شیخ اعظم) (بی تا). المكاسب، قم: انتشارات دارالحکمه.
۸. بجزستانی، ابوداود سلیمان بن اشعث (۱۰۴۱ ه.ق). سنن ابی داود. قم: دارالفکر.
۹. بجنوردی، سید محمد حسن (۱۹۴۱ ه.ق). قواعد الفقهیه. بی جا: الهادی.

۱۰. جبعی العاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی) (بی تا). مسالک الافهام فی شرح شرائع الاسلام. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۱۱. حلی، ابومنصور حسن بن یوسف بن علی بن المطهر (علامه) (بی تا). تذکره الفقهاء. قم: مکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.
۱۲. خراسانی، محمد کاظم (۱۴۰۹ه.ق). کفایه الاصول. قم: مؤسسه آل البيت.
۱۳. ری شهری، محمد (۱۴۲۲ه.ق). میزان الحکمه. تهران: مرکز الطباعه و النشر فی دارالحديث.
۱۴. منتظری، حسینعلی (۱۴۰۹ه.ق). دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه. قم: مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه.
۱۵. موسوی الخمیني، سیدروح الله (۱۳۷۳). مناهج الوصول الی علم الاصول. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۶. موسوی الخمیني، سیدروح الله (بی تا). کشف الاسرار. قم: بی نا.

۳ - فرانسه

17. Lagadec, Jean (2003). **Nouveau guide pratique du Droit**. Paris: Edition France Loisirs.

۱۳۴

فصلنامه مطالعات حقوقی  
دوره نهم، تابستان ۱۳۹۲

سال دوم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی